

## منع فعالیت حزب التحریر در انگلیس به بهانه "تروریزم"

﴿قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ﴾ دشمنی از دهان آنان آشکار است، و آنچه در دل دارند بزرگ‌تر

است ﴿[آل عمران: 118]

(ترجمه)

پارلمان انگلیس با تصمیمی مبنی بر ممنوعیت فعالیت حزب التحریر و قرار دادن آن در لیست "سازمان‌های ترورستی"، که توسط جیمز کلیرلی، وزیر داخله انگلیس به پارلمان پیشکش شد، موافقت نمود. جیمز کلیرلی ادعا نموده که این حزب متهم به فعالیت‌های ترورستی و "یهودستیزی" می‌باشد. این تصمیم با موافقت تمام نمایندگان پارلمان انگلیس در نشست عمومی و نیز با موافقت لوردها در نشستی که سریع خوانده شد، به تصویب رسید. جیمز کلیرلی، وزیر داخله انگلیس در بیانیه‌ی منصوب به خودش، ادعا نمود که تصمیم جلوگیری از فعالیت حزب به این دلیل صورت گرفته که حزب التحریر حوادث هفت اکتوبر را توجیه نموده و اقدامات مقاومت فلسطینیان علیه اهدافی در "اسرائیل" را با ارزش خوانده است. در بیانیه مذکور گفته شده «همین که حزب حوادث مذکور را تقبیح نموده، خود به معنای تشویق به تروریزم، ترویج بنیادگرایی بوده و یهودستیزی به شمار می‌رود».

به این ترتیب، حتی پارلمان انگلیس که متشکل از قانون‌گذاران دموکراسی و آزادی‌ها و ناظرین ارزش‌های لیبرلیزم و سکولریزم می‌باشد، در ترورستی خواندن حزب التحریر با قوه اجرائیه انگلیس یکجا شده و اساسات، ارزش‌ها و فرهنگ دروغین‌شان را با صراحت تمام زیر پا نمودند.

حزب التحریر، که در بیشتر از 50 دولت در سراسر جهان فعالیت داشته و بیشتر از 70 سال از زمان تأسیس آن می‌گذرد، تا هنوز هیچ حکومت یا نظامی نتوانسته اتهام تروریزم و یا فعالیت مادی و یا اقدام به خشونت را توسط حزب ثابت نماید. تمام دولت‌هایی که فعالیت حزب التحریر را ممنوع قرار داده و اعضای آن را تحت پیگرد قرار می‌دهند، همان دولت‌هایی اند که خود غرب آن‌ها را متهم به دیکتاتوری و خودکامه‌گی نموده و همین غرب است که با نظام‌های حاکم در آن دشمنی داشته و با آنان می‌جنگد. همین غرب، حکومت‌ها و نظام‌های مذکور را عقب‌گرا، پس‌مانده، دشمن دموکراسی و آزادی می‌خواند؛ مانند برخی از دولت‌های عربی، روسیه و دولت‌های آسیای میانه. هیچ دولتی تا کنون نتوانسته حتی یک مورد را من حیث نمونه مطرح نماید که نشانگر خروج فعالیت حزب از میدان سیاسی، فکری و استدلال به میدان خشونت باشد؛ پس چه چیزی باعث شده سیاستمداران انگلیس دست به چنین اقدامی بزنند که با صراحت با قانون خودشان در تعارض قرار دارد؟ این سوال دقیقاً همان چیزی است که باید به آن توجه نمود و با دقت آن را بررسی کرد.

پیش از آن که به جواب این سوال بپردازیم، باید یادآور شویم که این نخستین باری نیست که حکومت انگلیس تلاش می‌کند فعالیت حزب را ممنوع قرار دهد، چنانچه تصمیم ممنوعیت فعالیت حزب روی میز بسیاری از رؤسای حکومت قرار داشت، از جمله: تونیلر، دیوید کمرون و تریزامی. اما آنان از عملی نمودن این تصمیم به این دلیل خود داری نمودند که هیچ‌گونه سند قانونی و روشنی نداشتند تا هدف‌شان را توجیه نماید. اینک سوال این است که آیا در حال حاضر واقعاً دلیلی قانونی و موجه یافته‌اند؟

طبیعتاً نخیر؛ زیرا حزب التحریر نه طرز تفکر خود را تغییر داده، نه رفتارش، نه معتقدات و نه هم فعالیت‌هایش را و این موارد را هرگز تغییر نخواهد داد تا آن که الله سبحانه و تعالی زمان و زمینه حاکمیت‌اش را فراهم آورد و تا آن زمان هم‌چنان بر اساسات خود استوار خواهد ماند. پس نتیجه می‌گیریم که این خود آن‌هاستند که تغییر کرده اند و نه حزب التحریر.

آن‌چه را آنان این بار برای ممنوعیت حزب بهانه گرفته اند، اینست که حزب التحریر مجاهدین غزه را تأیید نموده و برای نصرت دادن به آنان و حمایت از آنان در برابر دشمن جنایت کار و وحشی "رژیم یهود" فراخوان می‌دهد. آنان این موقف حزب را یهودستیزی و تشویق به تروریزم تلقی نموده اند، اما روشن است که این ادعا و بهانه بسیار ناچیز بوده و اصلاً ارزش بررسی نمودن را ندارد. چگونه می‌توان تأیید و حمایت یک برادر از برادر دیگر را یهودستیزی تلقی نمود؟! آیا انکار نمودن کشتارهای وحشیانه مردم فلسطین توسط یهودیان یک موقف نژادپرستانه است؟ اگر چنین است، پس معیارهای عدالت، حق و حمایت از مظلوم چیست و کجاست؟ آیا حکومت انگلیس، ملیون‌ها انسانی را که در سراسر جهان، به شمول جهان غرب، در تظاهرات و راه‌پیمایی‌هایی که به خاطر تقبیح آن همه جنایت وحشیانه یهود به جاده‌ها آمدند، یهودستیزی می‌خواند؟

در خصوص این که تأیید و فراخوان برای حمایت و نصرت دادن به غزه و مردم آن را تروریزم بر می‌شمارند، باید پرسید که کدام یک بهتر است که تروریست خوانده شود: مسلمان ساکن در انگلیس که با زبان به حمایت از برادر هم‌دین و هم‌تمدن و هم‌فرهنگ‌اش پرداخته و از برادران مسلمان‌اش می‌خواهد برای نصرت و نجات مردم غزه در برابر کشتارهای بی‌رحمانه یهود بپا خیزند؟ یا آن فرد انگلیسی که به حمایت از رژیم یهود پرداخته و با انواع سلاح‌ها، ماین‌ها، طیاره‌های نظامی و معلومات استخباراتی از آن پشتیبانی می‌کند و در کشتار کودکان، زنان، مسنین و ویران نمودن مساجد، مدارس و شفاخانه‌ها بر سر ساکنین آن سهم گرفته و با افتخار از میان کمک‌های نظامی بارگیری شده در طیاره نظامی سراسر را بلند می‌نماید؟! آیا کسی که در کنار مظلوم ایستاده و به قتل عام وحشیانه اعتراض می‌کند، تروریست بوده و کسی که در کنار جنایت‌کار و خون‌خوار ایستاده و با سلاح و امکانات و معلومات استخباراتی به آن کمک می‌نماید، صلح‌دوست و حامی انسانیت به شمار می‌رود؟!

بناءً روشن است که دلیل‌شان ناچیز بوده و از نظر قانونی هیچ توجیهی ندارد و این تصمیم، یک تصمیم سیاسی می‌باشد که توسط آن‌عه کسانی اتخاذ گردیده که قدرت را در اختیار دارند. آنان دیگر نتوانستند چهره واقعی خود را پنهان کنند و به ادعای خویش مبنی بر حفظ آزادی‌ها و حقوق بشر ادامه دهند. در نتیجه، چنگ و دندان تیز نموده و پرده خویش را خود از هم دریدند. فعالیت‌های حزب التحریر اعم از برملا نمودن خیانت حکام جنایتکار و مزدوران‌شان در سرزمین‌های اسلامی و تحریک نمودن امت به پایین کشیدن این حکام مزدور از اریکه‌های قدرت و به حرکت در آوردن لشکرهای مسلمانان برای نصرت دادن به فلسطین، غزه و مسجدالاقصی و سایر فعالیت‌های حزب، دل‌های آنان را تنگ نموده و خشم‌شان بر انگیزته شد، از این که حزب التحریر جنایت‌های رژیم یهود و وحشی‌گری‌های حکام غرب را که از آن رژیم حمایت می‌نمایند برملا می‌کند و رسوایی‌های این حکام مبنی بر هم‌دست بودن با یهود در کشتارها و قتل عام را بر مبنای قوانین خودشان ثابت می‌کند. این فعالیت‌های حزب، حکام مذکور را وادار نموده برخی از کینه‌توزی و عداوتی را که علیه اسلام و حزب التحریر در دل پنهان دارند آشکار نمایند؛ حزب التحریری که هیچ‌گاهی به آنان سر دوستی و وابستگی نشان نداده و هرگز نتوانسته اند امیدی به مهار و یا تأثیرگذاری بالای آن به دست آورند!

پس این موقف‌گیری‌های حزب در قبال طوفان اقصی و فراخوان امت و لشکرهای آن برای نصرت دادن به غزه و سهم‌گیری فعال آن در رسوا نمودن غرب و رهبران آن بود که کمر ریشی سوناک نخست‌وزیر انگلیس را شکست و وادار شد، دموکراسی‌اش را خود با خاک یکسان نموده و اساسات دروغین آزادی‌اش را زیر پا کرده و تصمیم به منع حزب بگیرد. اگر دستگاه قضائی انگلیس نیز با این تصمیم حکومت و پارلمان موافقت نموده و آن را تأیید نماید، در این صورت کاملاً روشن خواهد شد که این تصمیم کسانی است که پشت پرده حکومت را به پیش می‌برند و نه تصمیمی قانونی که زیر فشار اتخاذ گردیده و این که آنان حاضر اند برای آرام نمودن بغض و کینه‌های خویش، تمام ارزش‌های خود را قربانی کنند.

واقعیتی را که رهبران انگلیس و نیز سایر رهبران جهان به خوبی می‌دانند اینست که حزب‌التحریر هم‌چنان به فعالیت، کار و دعوت خود ادامه خواهد داد؛ بدون این که به این نوع ممنوعیت‌ها و یا جوازها اهمیتی بدهد؛ چنان‌چه فعالیت گسترده آن در سراسر جهان اسلام شاهد این مدعاست. حزب هیچ‌گاهی مفکوره و اساسات خود را به هدف هم‌سوئی با نظام‌های حاکم و یا محافظت خود از شر آنان تغییر نداده و بعد از این نیز هرگز این کار را نخواهد نمود تا آن که الله متعال زمینه حاکمیت دین خود را فراهم آورد و حقانیت این فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم برای همه‌گان ثابت گردد که فرمود:

«لا تزال طائفة من أمتي على الحق ظاهرين لعدوهم قاهرين، لا يضرهم من خالفهم، إلا ما أصابهم من لأواء، حتى يأتيهم أمر الله و هم كذلک»

ترجمه: یک طائفه از امت من هم‌چنان برحق ثابت قدم بوده و بالای دشمن خود مسلط خواهند بود، بجز تنگ دستی و فشارهای زندگی، مخالفت مخالفان به آنان ضرری نمی‌رساند. این حالت آنان ادامه خواهد داشت تا آن که امر الله فرا رسد و آنان در این حالت قرار داشته باشند.

ما خود را همان گروه برتر می‌دانیم که به خواست الله سبحانه و تعالی به زودی نصرت داده خواهد شد.

جهان غرب و حکام مزدور دارند آخرین تلاش‌های خود را به کار می‌گیرند و شمار زیادی از آنان دیگر به این قناعت رسیده اند که آینده از آن اسلام و دولت خلافت راشد است و این آینده دور نیست؛ زیرا می‌بینند که امت اسلامی دیگر به ستوه آمده و حق و باطل به سرعت از هم جدا می‌شوند و راه به جانب رویارویی حتمی حق و باطل باز و بازتر می‌گردد.

انگلیس به صفت یک نمونه می‌داند که حساب‌اش با امت اسلامی و خلافت پیش‌رو بسیار سخت و دشوار خواهد بود؛ زیرا همین انگلیس بود که خلافت را سقوط داد و همین انگلیس بود که امت را پارچه پارچه نمود و سرزمین‌های آن را استعمار کرد و خون امت اسلامی را مکید، نیش‌های زهرآلود آن هنوز در جسد امت فرورفته و فساد افگنی‌های آن بیش از صد سال می‌شود که سراسر جهان اسلام را فراگرفته است. پس دشمنی میان امت اسلامی و انگلیس، دشمنی عمیق، دیرین و دارای ریشه‌های مستحکم می‌باشد و انگلیس خود این واقعیت را می‌داند و با تمام توان سعی دارد رویارویی با امت اسلامی را تا جایی ممکن به تأخیر اندازد و می‌داند که این رویارویی زمانی خواهد بود که امت اسلامی بتواند خلافت راشد را برپا نماید. بناءً با تمام توان به جنگ حزب‌التحریر برخاسته و به مکر و حيله می‌پردازد به این هدف که با این کار می‌تواند از برپایی خلافت جلوگیری کند، اما این یک گمان و توهم

پوچی بیش نیست. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَلْعِ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [طلاق: 3]

ترجمه: الله فرمان خویش را به انجام می‌رساند و هرچه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. الله برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

برگرفته شده از: مجله الرايه، شماره 479

نویسنده: انجنیر باهر صالح

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-فلسطین

مترجم: عبدالله دانشجو